

## واکاوی جایگاه زنان در مدیریت روستایی (نمونه‌موردی: دهستان میانکاله شهرستان بهشهر)

نصرالله مولایی هنجین - استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران  
محمد رضا نقوی<sup>۱</sup> - مدرس جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، بهشهر، ایران  
عباس باقری - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران  
پگاه مرید السادات - دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۵

### چکیده

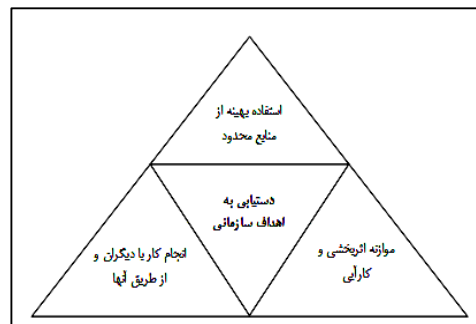
با توجه به این که نیمی از جمعیت جهان زنان هستند برای دستیابی به توسعه ضروری است که زنان مانند مردان در فرایند توسعه و مدیریت روستایی مشارکت داشته باشند. این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن زنان، دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد شد و باید به جایگاه و نقش زنان در مدیریت روستایی توجه شود. همانطور که می‌دانیم مدیریت روستایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی برای نیل به توسعه روستایی است که متأثر از راهبردهای کلان ملی و نیز رهیافت‌های موجود در زمینه مدیریت محلی می‌باشد. چرا که در این بین زنان روستایی بسیاری از نقش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خارج خانه را به خوبی این نقش‌ها در داخل خانه ایفا می‌کنند، اما از برنامه‌های توسعه روستایی دور مانده‌اند و این مسأله سبب گردیده تا برنامه‌ریزان از پتانسیل مدیریتی زنان در توسعه روستایی غافل شوند. هدف این پژوهش واکاوی جایگاه زنان در مدیریت روستایی است. محدوده‌ی مورد مطالعه ۱۰ روستا از دهستان میانکاله شهرستان بهشهر می‌باشد، روش تحقیق بصورت پیمایشی و توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات نیز به صورت اسنادی و میدانی از طریق پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت طراحی شده و سؤال تحقیق از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته شده است، نتایج تحقیق در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد با توجه به مقایسه حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط نمود که کلیه مؤلفه‌های پایین‌تر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار نبوده و به نظر می‌رسد زنان در مدیریت روستایی در سطح جامعه نمونه جایگاه مشخصی ندارند.

واژه‌گان کلیدی: زنان، توسعه روستایی، مدیریت روستایی، بهشهر.

## ۱. مقدمه

روستا کوچک‌ترین واحد تشکیلاتی و اجتماعی در ایران محسوب می‌شود و بدیهی است که این واحد اجتماعی (روستا) به لحاظ وجود مناسبات اجتماعی، اقتصادی و پای‌بند بودن افراد به قوانین عرفی و مدنی نمی‌تواند از تشکیلات سازمان‌مدیریتی بی‌نیاز باشد. اصولاً در جوامع انسانی شکل سازمان‌مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جوامع است و به خصوص اگر جامعه، زیر جامعه‌ای از جوامع فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیرگذارتر خواهد بود. علیرغم وجود مسائل فراوان زیاد، ساماندهی و تقویت تشکیلات مدیریتی در تداوم نظام اجتماعی با چشم‌اندازی مثبت از توسعه همراه بوده و عدم وجود آن (تشکیلات مدیریتی) یا ضعیف و ناکارآمد بودن آن نتیجه‌ای کاملاً معکوس خواهد داشت (مهردوی و نجفی‌کانی، ۱۳۸۴: ۲۲). هنگامی که از مدیریت روستایی سخن به میان می‌آید ممکن است لزوماً منظور مدیریتی اندیشیده شده و برنامه‌ریزی شده نباشد. به عبارتی نقش عرف، عادات و سنن در مدیریت روستایی تعیین‌کننده است. مدیریت روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن، مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات، سازمان‌های روستایی و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد (نعمتی و بدری، ۱۳۸۶: ۱۶۳). از دهه‌ی هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرایند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی قرار گرفت و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی زنان جامعه که پیش از این از نظرها پنهان بوده داشته‌اند، چراکه هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد بود (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). تحقیقات نشان می‌دهد که زنان روستایی بخش اساسی از نیروی انسانی هستند که در توسعه روستایی نقش مهمی را به خود اختصاص داده‌اند (منصورآبادی و کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۸).

زمانی که زنان روستایی از بعد اقتصادی و اجتماعی رشد پیدا کنند به عنوان پتانسیل و نیروی انسانی توسعه در نظر گرفته می‌شوند و این عامل سرآغازی برای رشد و بهبود مدیریت نواحی روستایی است (World Bank, 2010:5). چرا که تقویت توانمندی زنان روستایی یکی از موضوع‌های محوری در فرایند توسعه بسیاری از کشورهاست که عوامل دخیل در این موضوع شامل؛ آموزش زنان، الگوی مدیریتی، فرصت‌های اشتغال و غیره است (امینی و احمدی شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱). خانم مری پارکرفالت در کتاب مدیریت پروژه‌ی روستایی مدیریت را هنر انجام کارها به وسیله و از طریق دیگران تعریف نموده است که در شکل (۱) جنبه‌ی کلیدی آن را می‌توانیم مشاهده نماییم (بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳). باید پذیرفت که نقش مدیریتی زنان روستایی بعنوان یک استراتژی، مکمل فعالیتی در جهت تکمیل کار مردان و متولیان مدیریتی در مناطق روستایی است و باید به جایگاه این قشر اثرگذار در توسعه بیش از پیش توجه شود (Anju, 2000:18).



شکل ۱. جنبه‌ی کلیدی مدیریت (منبع: بدری و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳)

## ۲. مروری بر ادبیات موضوع

## ۱-۲. پیشینه تحقیق

جدول ۱. پیشینه تحقیق داخلی و خارجی

اهداف کار	عنوان پژوهش	محققین	ردیف
اثرات و پیامدهای وضعیت زنان روستایی را مورد تحلیل قرار داده‌اند.	در سال ۱۳۸۵ به بررسی پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی پرداخته‌اند (مطالعه موردی استان فارس)	افسانه منصور آبادی و عزت اله کرمی	۱
تاثیرات نظام نوین مدیریت روستایی در استان گلستان با توجه به فعالیت دهیاری‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.	در سال ۱۳۸۶ به ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی و مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ اشاره داشته‌اند (مطالعه موردی: استان گلستان)	مرتضی نعمتی و سید علی بدری	۲
بر نقش زنان در توسعه اقتصادی و خوداتکایی در این استان اشاره داشته‌اند.	در سال ۱۳۸۸ به بررسی خوداتکایی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن پرداخته‌اند (مطالعه موردی در دو منطقه جلگه ای و کویری مرکز استان اصفهان)	امیر مظفر امینی و محمدعلی احمدی شاپورآبادی	۳
جایگاه اقتصادی اجتماعی زنان روستایی با توجه به فعالیت آن‌ها در سطح روستاها در جهت بهبود و رشد مورد بررسی قرار گرفت.	در سال ۱۳۸۸ به بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن اشاره داشته‌اند (مطالعه موردی شهرستان همدان)	هما سروش مهر، حامد رفیعی، خلیل کلاتتری و حسین شعبانعلی فمی	۴
نوع مدیریت در این دو کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.	در سال ۱۳۹۰ به مطالعه ی تطبیقی مدیریت روستایی ایران و چین با رویکرد حکمروایی پرداخته‌اند.	سید علی بدری، مجتبی قدیری معصوم، صامت فرهادی و حافظ اسکندری	۵
نقش زنان و تصمیمات NGOها در جهت توسعه فعالیت‌های زنان روستایی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.	Women Development and NGOs 2000 در سال ۲۰۰۰ میلادی به بررسی نقش NGOها و توسعه زنان در هندوستان اشاره داشته است.	باهاتیا انجو Bhatia Anju	۶
نقش مشارکتی زنان در جهت رشد مناطق روستایی با توجه به رویکردهای توسعه پایدار در استان پنجاب مورد تحلیل قرار گرفت.	Rural Women and Development of Entrepreneurship with special reference to Punjab.2009 در سال ۲۰۰۹ میلادی به تجزیه و تحلیل نقش زنان روستایی و توسعه اشاره نموده است.	پراباسینگها Prabha Singh	۷
تصمیمات گروهی و مشارکت زنان در مسائل روستایی با توجه به چالش‌های پیش روی زنان روستایی را حائز اهمیت دانسته است.	Management Development Programme for Women Entrepreneurs 2012 در سال ۲۰۱۲ میلادی به نقد و بررسی برنامه‌های توسعه مشارکتی زنان اشاره داشته است.	سازمان ایمو Iimu	۸

منبع: منصور آبادی و کرمی: ۱۳۸۵، نعمتی و بدری: ۱۳۸۶، امینی و احمدی شاپورآبادی: ۱۳۸۸، سروش مهر و همکاران: ۱۳۸۸، بدری و همکاران: ۱۳۹۰، باهاتیا انجو: ۲۰۰۰، پراباسینگها: ۲۰۰۹، سازمان ایمو: ۲۰۱۲.

## ۲-۲. مبانی نظری

اندیشه اداری و دانش مدیریتی و به ویژه هدایت و رهبری، موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی پیش از آن مطرح بوده است. از این رو همواره روستاها به مثابه نخستین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها از سازمان‌های اجتماعی و مدیریت بهره‌مند بوده‌اند، گرچه مفهوم مدیریت آن‌ها از مفهوم مدیریت امروزی گسترده‌تر و با آن تفاوت دارد، در کشورهای درحال توسعه شناسایی جامع ساختار حکومت محلی مسأله‌ای کلیدی به شمار می‌رود، زیرا با توجه به جمعیت آسیب پذیر در نواحی روستایی که اغلب به خدمات ارائه شده از سوی سطوح بالاتر دولت دسترسی ندارند، تکیه بر جوامع محلی برای تأمین نیازهای اساسی مقوله‌ای بنیادی است. اهداف مدیریت روستایی شامل دستیابی به توسعه و به دنبال آن توسعه‌ی پایدار روستایی است؛ این اهداف مشترک عبارتند از:

- تأمین نیازهای اساسی

- افزایش تولید و امنیت غذایی

- کاهش فقر

- افزایش درآمد

- حفظ محیط زیست

- توسعه فرصت‌های شغلی

- افزایش مشارکت و اعتماد به نفس (بدری و همکاران، ۱۳۹۰:۷۰).

بسیاری از نظریه‌پردازان اعتقاد دارند که هر چه فعالیت و جایگاه زنان در عرصه‌ی مدیریت و توسعه روستایی گسترش یابد نقش آن‌ها از نظر اجتماعی و به ویژه مشارکتی، تصمیم‌گیری و به دست گرفتن مسئولیت‌ها بیشتر می‌شود. اما آنچه که به زنان روستایی کشور ما مربوط است متأسفانه به جهت شرایط اجتماعی حاکم بر این جوامع و شاید کم توجهی برنامه‌ریزان می‌توان عنوان نمود که علی‌رغم ارزش و اعتباری که کار و فعالیت و مدیریت آنها در اقتصاد خانواده و جامعه دارد از جهات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اصولاً در سطوح تصمیم‌گیری محلی و ملی به هیچ وجه نقشی هم سنگ و متناسب با ارزش نقش اقتصادی‌شان ندارند (امینی و رضانی، ۱۳۸۰:۱۰۵). امروزه بیشتر صاحب‌نظران توسعه به ویژه توسعه روستایی معتقدند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت آحاد مردم ممکن نیست و بدون تردید با مشارکت مردم دوره‌ی گذرای توسعه تسهیل و کم هزینه می‌شود (رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶:۳). وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را درمی‌یابند تحقیقات در مورد زنان در شهر و روستا، باعث شده که اهمیت و انواع فعالیت زنان در اقتصاد جهان سوم روشن شود. اما در مورد زنان روستایی این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا زن بودن در دنیای امروز به خودی خود احتمال بودن در دایره فقر را افزایش می‌دهد (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۸:۲). باید یادآور شد که؛ توجه و پذیرش جایگاه زنان در مدیریت محلی روستایی، ایجاد انگیزه در بین زنان روستایی به منظور مشارکت در برنامه‌های توسعه روستایی، توجه به نقش زنان در برنامه‌ریزی و استفاده از دانش زنان تحصیل کرده روستایی از جمله عواملی است که می‌تواند نقش و جایگاه زنان در مدیریت محلی را به خوبی نشان دهد (Imu, 2010:51).

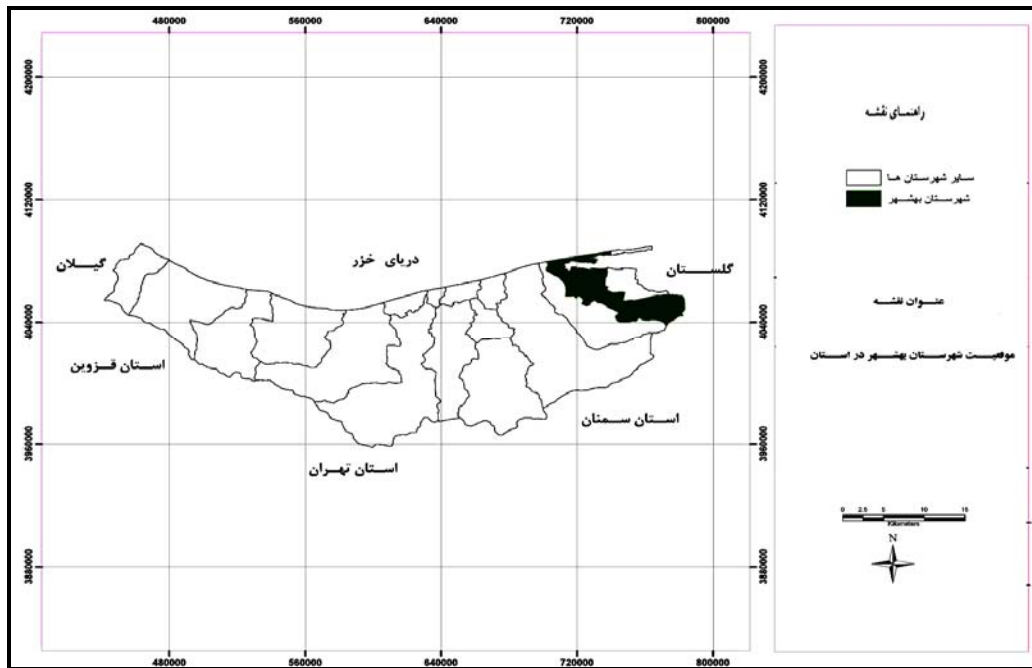
مروری بر سابقه‌ی مدیریت روستایی در ایران نشان می‌دهد که در ایران روستاها بر محور علم تجربی «ملکداری» اداره می‌شدند. زارع زمین را طبق نظر مالک و یا نمایندگان او می‌کاشت و محصول با مالک تقسیم می‌شد و سهم بخور و نمیری به زارع می‌رسید و مالک به دولت مالیات می‌پرداخت. به این ترتیب هزینه‌های دولت را مالکین و زندگی مالکین را روستاییان تأمین می‌کردند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷:۲۹۲). تا قبل از مشروطیت مدیریت امور مختلف روستاها کاملاً غیردولتی بود و عوامل و عناصری مانند: نماینده، کدخدا، سالار، سرینه، دشتبان و غیره در آن نقش داشتند. مدیریت امور جاری و عمرانی روستاها بدون وابستگی مالی به دولت بر عهده یکی از روستاییان تحت عنوان دهگان، دیهک، دهقان و یا کدخدا بود در سال ۱۳۲۵ با ایجاد سازمان‌هایی مثل سازمان برنامه و تهیه‌ی مقدمات برنامه اول عمرانی، قانونی در زمینه ایجاد صندوق تعاونی روستایی به تصویب رسید. از سال ۱۳۳۲ تدوین و تصویب قوانین عمران روستاها و تعیین سهم زارعین از محصول و العای عوارض روستاها شروع شد. با تصویب قانون بنگاه عمرانی کشور در سال ۱۳۳۴ با هدف عمران و آبادی دهات زیر نظر وزارت کشور و تشکیل شورای عالی عمران با عضویت دستگاه‌های مختلف اجرای زمینه برای یکپارچگی فعالیت‌های دولت در سطح روستاها فراهم شد. از سال ۱۳۵۰ ضرورت یکپارچه کردن امور روستاها مطرح شد و با تشکیل وزارت تعاون و امور روستاها مدیریت کلان نواحی روستایی برعهده این وزارتخانه گذاشته شد. این وزارت قانون تشکیل انجمن ده و دهبانی را در سال ۱۳۵۴ به تصویب مجلس رساند (رضوانی، ۱۳۸۷:۲۱۷). شاید نقطه عطف تحولات در مدیریت روستایی ایران مربوط به قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی در سال ۱۳۷۵ باشد. در قانون اخیر بر شورای اسلامی به عنوان تنها نهاد مدیریت در روستاها تأکید شد و براساس آن و طبق ضوابط جمعیتی، برای روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت سه عضو و برای روستاهای بیش از ۱۵۰۰ نفر پنج عضو به عنوان شورا در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۷۷ نیز طبق مقررات، به وزارت کشور اجازه داده شد تا برای امور روستایی به تأسیس دهیاری‌ها اقدام کند. این امر با توجه به وضعیت فعلی مدیریت شهری در ایران، در روستاها موجب تحول شگرفی گردید که بر طبق

آن دو نهاد شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها که منتخب شوراها و بازوی اجرایی آن‌ها به حساب می‌آیند، در روستاها فعالیت نمایند (قدیری معصوم و ریاحی، ۱۳۸۳: ۵).

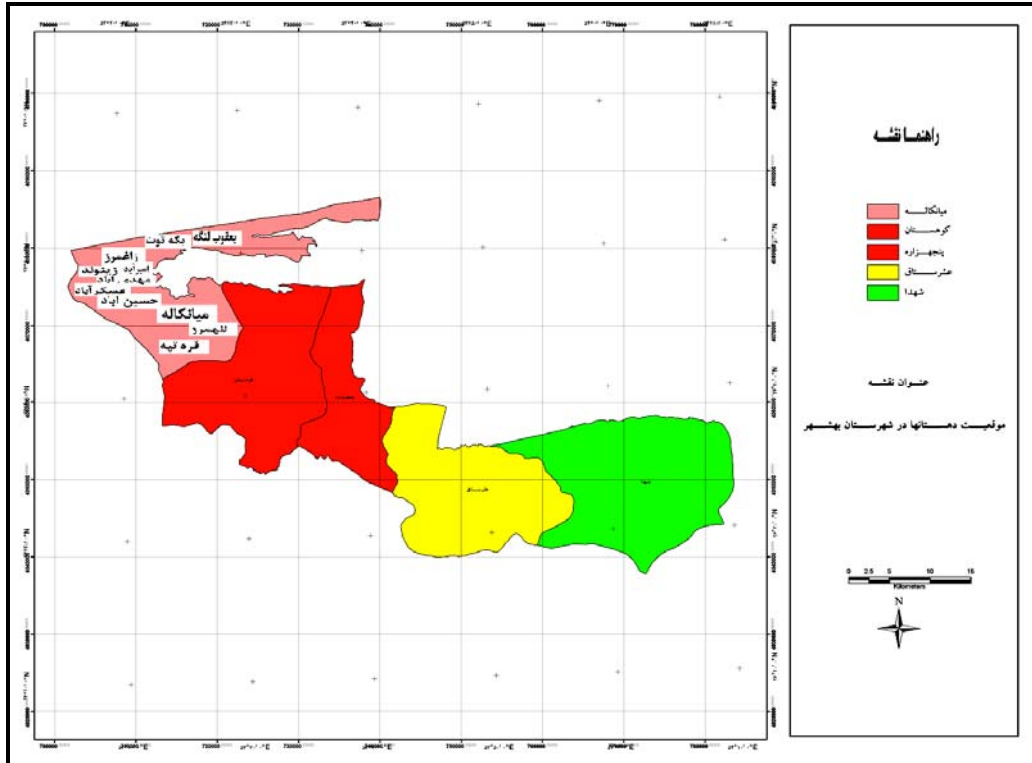
با توجه به سابقه مدیریت در روستاهای کشور یکی از موانع مهم در راه گسترش نقش و جایگاه مدیریت زنان در توسعه و بخصوص توسعه روستایی نگرش سنتی به این قشر از جامعه می‌باشد. نگرشی که در آن زن بعنوان جنس دوم در نظر گرفته می‌شود. این نگرش حاکی از تعریفی است که از موضوع مطالعه یعنی زن ناشی می‌شود. تعریفی محدود، که در آن زن یعنی انسانی مؤنث که متأهل و دارای فرزند یا فرزندان کوچک است و همین علت خواه و ناخواه مهمترین نقش او همسررداری و مادری است که منجر به خارج کردن بسیاری از زنان از عرصه‌ی مدیریتی می‌شود (راو دراد، ۱۳۷۹: ۱۰). در مدیریت جهان و بخصوص در کشورهای توسعه یافته زنان جایگاه مشخص به خود دارند و این جایگاه نقش و فعالیت زنان در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های شهری و روستایی را به درستی نشان می‌دهد (Prabha Singh, 2009:47). دستیابی به توسعه و رشد، که از هدف‌های بزرگ کشورها محسوب می‌شود، نیازمند برنامه‌های توسعه است. در برنامه‌های توسعه نیز باید اولویت اصلی را به توسعه منابع انسانی داد. در این راستا باید بخشی از سهم سرمایه‌گذاری دولت در توسعه منابع انسانی به زنان، که نیمی از جمعیت جوامع را تشکیل می‌دهند تخصیص یابد. جهت‌گیری توسعه منابع انسانی در امور زنان نیز باید از افزایش کارایی نیروی کار زنان فراتر رود و رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنان را در فرایند توسعه در برگیرد. بنابراین، رسیدن به هدف مهم توسعه، یعنی توسعه انسانی، هنگامی ممکن می‌شود که به عامل نیروی انسانی اعم از مرد و زن به طور همزمان توجه شود (پاسبان، ۱۳۸۵: ۱۵۹).

### ۳. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق بصورت توصیفی و تحلیلی-پیمایشی است. روش گردآوری اطلاعات نیز بصورت کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت طراحی و اقدام به واکاوی جایگاه زنان در مدیریت روستایی نموده است. جامعه آماری نیز مبتنی بر ۱۰ روستا از دهستان میانکاله است که در شکل‌های (۲ و ۳) و جدول (۲) نشان داده شده است. براساس روش کوکران ۱۵۰ خانوار روستایی به عنوان حجم نمونه تعیین و به روش تصادفی طبقه‌بندی انتخاب شده‌اند. سؤال‌های تحقیق از طریق نرم‌افزار SPSS و براساس آزمون T و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد تحلیل و همچنین از روش رگرسیون برای اولویت بندی مدیریت کلان روستایی استفاده شده است تا به این سؤال اساسی که آیا زنان جامعه نمونه از جایگاه مناسبی در مدیریت روستایی برخوردارند؟ پاسخ داده شود.



شکل ۲. تقسیمات سیاسی استان مازندران

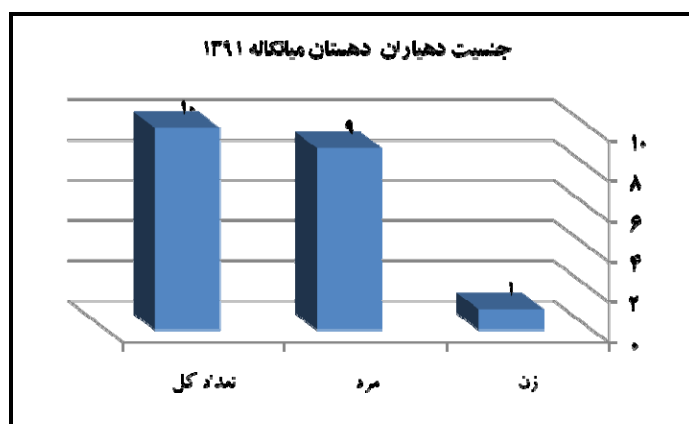


شکل ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

جدول ۲. روستاهای مورد مطالعه و حجم نمونه

نام روستا	جمعیت سال ۱۳۸۵	تعداد خانوار ۱۳۸۵	وضعیت مدیریت محلی			تعداد پرسش نامه خانوار
			شورا مرد	شورا زنان	دهیار مرد	
امیر آباد	۲۱۳۱	۵۶۲	۴	۱	۱	۱۵
حسین آباد	۲۶۶۱	۶۹۲	۴	۱	-	۱۵
زاغمرز	۵۸۴۵	۱۵۲۴	۵	-	۱	۱۵
زینوند	۱۴۷۴	۳۶۹	-	-	۱	۱۵
عسکر آباد	۵۳۷	۱۲۴	۳	-	۱	۱۵
قره تپه	۱۸۸۴	۵۰۴	۴	۱	-	۱۵
لله مرز	۵۱۶	۱۴۱	۳	-	-	۱۵
مهدی آباد	۱۷۸	۵۷	-	-	۱	۱۵
یقوب لنگه	۹۹۹	۲۴۶	۳	-	۱	۱۵
یکه توت	۱۵۰۱	۲۵۲	۳	-	۱	۱۵

منبع: یافته‌های تحقیق و نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ شهرستان بهشهر، مرکز آمار ایران



شکل ۴. توزیع دهیاران برحسب جنس

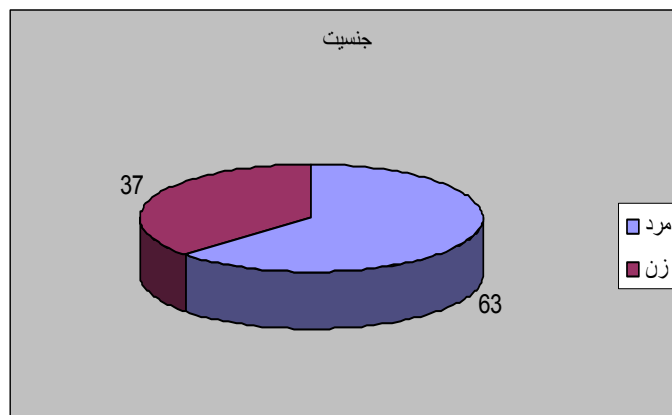
جدول ۳. شاخص‌ها و گویه‌های مورد بررسی در سطح جامعه نمونه

عنوان	شاخص‌ها	گویه‌ها	تعداد
جایگاه زنان در مدیریت روستایی	اقتصادی	توجه به جذب سرمایه‌های محلی در توسعه روستا، حمایت از کارآفرینان روستایی، توسعه زراعت و کشاورزی در روستا. توسعه و رونق صنایع دستی و بومی محلی روستا، جذب سرمایه گذاران خارج روستا، توسعه صنعت گردشگری روستایی، شناسایی منابع سود آور روستایی، دریافت وام‌های بلا عوض از سازمان‌های مرتبط روستایی، توسعه و گسترش دامپروری صنعتی در روستا، ایجاد اشتغال در سطح روستا.	۱۰
	سیاسی	ایجاد وحدت و همگرایی محلی در بین روستاییان، شرکت در انتخاب شورای اسلامی روستا، داوطلب شدن برای سمت شورا در روستا، حمایت از تعاونی‌های روستایی (مردان و زنان)، هماهنگی و تعامل دوجانبه با شورا اسلامی و دهیاری‌ها، کاهش زد و خورد‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای در سطح روستا، گسترش روح عدالت محوری در روستا.	۷
	اجتماعی و فرهنگی	کاهش مهاجرت‌های روستاییان به شهر، بهبود کیفیت زندگی روستاییان، کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در روستا، ایجاد رفاه عمومی در روستا، گسترش تفریحات سالم و خانوادگی، تشویق خانواده‌ها به مسافرت و گردش، مطالعه کتابخوانی، استفاده از اینترنت در روستا، پابندی به آداب رسوم محلی روستا، تعلق خاطر بر فرهنگ بومی محلی روستا، احترام به بزرگترها و میانسالان روستا.	۱۲
	مشارکتی	تشویق روستاییان به شرکت در انتخابات، حمایت از روستاییان در طرح‌ها و پروژه‌های روستایی (طرح هادی و کالبدی و غیره) مسئولیت پذیری در برابر روستاییان، مشارکت در تقسیم کار بین روستاییان، مشارکت در برنامه های دهیار یا شورای اسلامی روستا، گسترش روح کارگروهی در بین روستاییان، مشارکت در برنامه‌های بانوان خلاق و نوگرا در روستا، استفاده از تحصیل کرده‌ها روستایی در کارها، همکاری با سازمان‌های توسعه روستایی.	۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

#### ۴. یافته‌های تحقیق

بررسی‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۶۳ درصد از پاسخ‌گویان به سوال‌های پرسش‌نامه را مردان و ۳۷ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین از بین پاسخ‌گویان ۶۵ درصد از دهیاران و شوراهای اسلامی دهستان میانکاله بصورت تمام وقت و ۳۵ درصد بصورت پاره وقت مشغول فعالیت بوده‌اند (شکل ۵ و جدول ۴).



شکل ۵. توزیع پاسخ‌گویان بر حسب جنس

جدول ۴. مشخصات شوراهای دهیاران جامعه نمونه

نام روستا	تعداد شورا	وضعیت سواد اعضاء شورا	سطح سواد دهیار	سکونت دهیار	رشته	درجه دهیاری	نوع دهیاری
حسین آباد	۵	ابتدایی، فوق دیپلم، دیپلم، لیسانس	لیسانس	داخل روستا	ادبیات	۴	تمام وقت
عسکر آباد	۳	راهنمایی	لیسانس	داخل روستا	حقوق	۱	پاره وقت
زاغمرز	۵	دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس	دیپلم	داخل روستا	کامپیوتر	۴	تمام وقت
قره تپه	۵	سیکل، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس	لیسانس	داخل روستا	حقوق	۴	تمام وقت
زینوند	-	-	لیسانس	داخل روستا	مدیریت	۴	تمام وقت
یکه توت	۳	ابتدایی، دیپلم	دیپلم	داخل روستا	صنایع شیمیایی	۳	تمام وقت
یعقوب لنگه	۳	ابتدایی، راهنمایی	دیپلم	داخل روستا	فنی	۲	پاره وقت
امیر آباد	۵	دیپلم، لیسانس	فوق دیپلم	داخل روستا	شیلات	۳	تمام وقت
لله مرز	۳	سیکل، دیپلم، لیسانس	لیسانس	داخل روستا	فیزیک	۱	پاره وقت
مهدی آباد	۳	دیپلم فوق دیپلم	دیپلم	داخل روستا	ادبیات	۱	تمام وقت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

همان‌طور که جدول (۵) نشان می‌دهد با توجه به مقایسه‌ی حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط نمود که کلیه مؤلفه‌های پایین‌تر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار نبوده و به نظر می‌رسد که زنان در مدیریت روستایی جایگاه مشخصی ندارند. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از سطح الفا ۰.۰۵ است می‌توان گفت که جایگاه زنان در مدیریت روستایی بسیار ضعیف می‌باشد.



جدول ۵. سطح معناداری اثرات اجتماعی گردشگری

سطح معناداری	حد متوسط	میانگین وضع موجود	آماره t	شاخص‌ها	جایگاه زنان در مدیریت روستایی
۰.۰۰۰	۲۰	۱۳.۹۸	-۶.۴۱	اقتصادی	
۰.۰۰۰	۱۴	۹.۱۲	۴.۰۹	سیاسی	
۰.۰۰۰	۲۴	۱۶.۳۰	-۳.۷۸	اجتماعی و فرهنگی	
۰.۰۰۰	۱۸	۱۷.۴۶	۲.۲۸	مشارکتی	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

همچنین از طریق بررسی ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح جامعه نمونه بر اساس جدول (۶) (بین شاخص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مشارکتی) با توجه به مقدار Pvalue بدست آمده که بیشتر از مقدار آلفا ۰.۰۵ بوده است. می‌توان بیان داشت که یک نوع عدم همبستگی (معکوس ناقص) بین جایگاه زنان در مدیریت روستایی و وجود دارد و این عدم همبستگی به دیدگاه سنتی جامعه، عرف‌های حاکم بر جامعه روستایی، عدم اعتماد به نفس زنان روستایی، نقش و دیدگاه برنامه‌ریزان و دیگر عوامل مؤثر به جایگاه زنان روستایی در مدیریت محلی بر می‌گردد.

جدول ۶. محاسبه ضریب همبستگی اسپیرمن

مشارکتی	اجتماعی و فرهنگی	سیاسی	اقتصادی	شاخص‌ها	اقتصادی
۰.۷۶۷	۰.۷۲۵	۰.۴۰۷	۱.۰۰۰	رابطه اسپیرمن	
۰.۱۰۳	۰.۰۹۶	۰.۱۴۱	-	SIG	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	N	
۰.۴۵۲	۰.۴۲۳	۱.۰۰۰	۰.۴۰۷	رابطه اسپیرمن	سیاسی
۰.۲۳۸	۰.۰۵۷	-	۰.۱۴۱	SIG	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	N	
۰.۷۸۰	۱.۰۰۰	۰.۴۲۳	۰.۷۲۵	رابطه اسپیرمن	اجتماعی و فرهنگی
۰.۱۷۲	-	۰.۰۵۷	۰.۰۹۶	SIG	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	N	
۱.۰۰۰	۰.۷۸۰	۰.۴۵۲	۰.۷۶۷	رابطه اسپیرمن	مشارکتی
-	۰.۱۷۲	۰.۲۳۸	۰.۱۰۳	SIG	
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	N	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

از بررسی جایگاه مدیریت محلی در بین سایر عوامل مؤثر در توسعه مناطق روستایی از دیدگاه زنان روستایی جامعه نمونه، به استناد جدول (۷)، می‌توان پذیرفت که جایگاه فعالیت‌های غیرکشاورزی در توسعه روستایی با مقدار سطح معناداری پایین‌تر از ۰.۰۵ و اولویت (۱) در بیشتر سطح توجه و همچنین توسعه روستاها در برنامه‌ریزی‌های بخشی با جایگاه (۱۰) در پایین‌ترین سطح توجه قرار گرفته است که در جدول ذیل این نتایج را مشاهده می‌شود.

جدول ۷. اثرات کلان جایگاه مدیریت محلی در بین سایر عوامل مؤثر توسعه روستایی از نگاه زنان

SIG	اولویت	B	شاخص
۰.۰۰۰	۷	۰.۲۴۳	موقعیت خاص
۰.۰۰۰	۱۰	۰.۲۱۱	روستا در برنامه‌ریزی بخشی
۰.۰۰۰	۴	۰.۲۹۳	مدیریت
۰.۰۰۰	۶	۰.۲۶۷	تجاری سازی
۰.۰۰۰	۹	۰.۲۱۶	امکانات محیطی
۰.۰۰۰	۲	۰.۳۰۸	بهره برداری از زمین
۰.۰۰۰	۸	۰.۲۲۶	اعتبارات استانی
۰.۰۰۰	۳	۰.۲۹۷	مشارکت
۰.۰۰۰	۵	۰.۲۹۴	رابطه شهر و روستا
۰.۰۰۰	۱	۰.۳۱۴	فعالیت‌های غیر کشاورزی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

رسیدن به توسعه‌ی برابر و پایدار در جامعه، بدون در نظر داشتن زنان روستایی کشور، امری دست نیافتنی است. به زعم اکثر پژوهشگران توسعه، شناخت جایگاه زنان در روستاها از الزامات رسیدن به توسعه روستایی مطلوب به شمار می‌آید. مدیریت روستایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی برای نیل به توسعه روستایی، متأثر از راهبردهای کلان ملی و نیز رهیافت‌های موجود در زمینه مدیریت است. اصولاً در جوامع انسانی شکل سازمان مدیریتی متأثر از نظام اجتماعی حاکم بر آن جامعه است و به خصوص اگر جامعه، زیر جامعه‌ای از جوامع فراتر باشد، نقش آن جوامع فراتر نیز به مراتب تأثیر گذارتر می‌باشد. علیرغم وجود مسائل فراوان زیاد، ساماندهی و تقویت تشکیلات مدیریتی در تداوم نظام اجتماعی جایگاه زنان با چشم‌اندازی مثبت همراه نبوده و عدم وجود تشکیلات مدیریتی یا ضعیف و ناکار آمد بودن آن نتیجه‌ای کاملاً معکوس دربر داشته است. چرا که آینده مدیریت جدید روستایی متکی بر ظرفیت‌های جوامع محلی با اداره و کنترل دقیق مکان و بهره‌وری از منابع با مشارکت مردان و زنان روستایی امکان‌پذیر است.

با این وجود، فعالیت‌های موجود در برنامه‌های توسعه هنوز هم نتوانسته توان موجود و بالقوه زنان در فرآیند توسعه را شناسایی کند و تأثیر این برنامه‌ها را بر روی بهبود جایگاه زنان مشخص سازد. با این نگرش مقاله حاضر به واکاوی جایگاه زنان در مدیریت روستایی پرداخته که یافته‌های تحقیق جدول (۵) نشان می‌دهد، با توجه به مقایسه حد متوسط گویه‌های مورد ارزیابی در هر یک از شاخص‌های جامعه نمونه می‌توان استنباط نمود که کلیه مؤلفه‌ها پایین‌تر از حد متوسط بوده و این تغییرات به لحاظ آماری معنادار نبوده و به نظر می‌رسد زنان در مدیریت روستایی جایگاه مشخص ندارند. همچنین از طریق بررسی ضریب همبستگی اسپیرمن در سطح جامعه نمونه براساس جدول (۶) (بین شاخص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مشارکتی) با توجه به مقدار Pvalue بدست آمده که بیشتر از مقدار آلفا ۰.۰۵ می‌باشد. می‌توان بیان داشت که یک نوع عدم همبستگی (معکوس ناقص) بین جایگاه زنان در مدیریت روستایی وجود دارد. همان طور که جدول (۷) نشان می‌دهد، می‌توان پذیرفت که جایگاه فعالیت‌های غیرکشاورزی در توسعه روستایی با مقدار سطح معناداری پایین‌تر از ۰.۰۵ و اولویت (۱) در بیشتر سطح توجه و همچنین توسعه روستاها در برنامه‌ریزی‌های بخشی با جایگاه (۱۰) در پایین‌ترین سطح توجه قرار گرفته است. در پایان پیشنهاد می‌شود که:

– دولت در برنامه‌ها و سیاست‌های خود بر تبیین جایگاه واقعی زنان دهیار و شورا در مدیریت محلی در سطح جامعه نمونه توجه نماید.

- سطح بی‌اعتمادی و سنتی‌نگری افراد و بخصوص روستاییان را نسبت به فعالیت زنان در انجام برنامه‌های مدیریت روستایی کاهش یابد.

- ایجاد زمینه لازم در جهت افزایش اقتدار، کارایی و اثر بخشی حضور زنان در تصمیمات مدیریت روستایی فراهم گردد.

برنامه و آموزش‌های مناسب در جهت حضور فعال زنان در برنامه‌های توسعه روستایی و ایجاد حکمروایی محلی متناسب با نوع تحصیلات زنان فراهم شود.

## ۶. منابع

۱. امینی، امیر مظفر و احمدی شاپورآبادی، محمدعلی، ۱۳۸۸، **خوداتکایی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن، مطالعه موردی در دو منطقه جلگه‌ای و کویری مرکز استان اصفهان**، پژوهش زنان، دوره‌ی ۷، شماره ۴، صص ۲۹-۷.
۲. امینی، امیر مظفر و رضانی، مسعود، ۱۳۸۰، **اشتغال زنان روستایی درآمد و اثر آن در خوداتکایی آنها**، مجموعه مقالات همایش اعتبارخرد و زنان روستایی، برگرفته از سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پرتال جامع علوم انسانی.
۳. بدری، سیدعلی، قدیری معصوم، مجتبی، فرهادی، صامت و اسکندری، حافظ، ۱۳۹۰، **مطالعه‌ی تطبیقی مدیریت روستایی ایران و چین با رویکرد حکمروایی**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۳، صص ۹۱-۶۹.
۴. پاسبان، فاطمه، ۱۳۸۵، **عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر اشتغال زنان روستایی ایران**، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۸۰-۱۵۳.
۵. راودراد، اعظم، ۱۳۷۹، **تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال**، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۵، صص ۲۸-۳.
۶. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۷، **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران**، انتشارات قومس، تهران.
۷. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، سجاسی قیداری، حمدالله و عینالی، جمشید، ۱۳۸۶، **نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار**، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۳۰-۱.
۸. سروش، مهر هما، رفیعی، حامد، کلاتتری، خلیل و شعبانعلی فمی، حسین، ۱۳۸۸، **بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر بهبود آن مطالعه موردی: شهرستان همدان**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۴۳.
۹. طالب، مهدی و عنبری، موسی، ۱۳۸۷، **جامعه‌شناسی روستایی ابعاد تغییر و توسعه در جامعه‌ی روستایی ایران**، چاپ دوم انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. قدیری معصوم، مجتبی و ریاحی، وحید، ۱۳۸۳، **بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران**، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۶، شماره ۵۰، ۱۹۸-۱۷۷.
۱۱. منصورآبادی، افسانه و کرمی، عزت‌اله، ۱۳۸۵، **پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی مطالعه موردی استان فارس**، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و چهارم، شماره دوم تابستان، صص ۱۲۸-۱۰۷.
۱۲. مهدوی، مسعود و نجفی کانی، علی اکبر، ۱۳۸۴، **دهیاری‌ها، تجربه‌های دیگر در مدیریت روستاهای ایران نمونه موردی: دهیاری‌های استان آذربایجان غربی**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۳۹-۲۱.
۱۳. نعمتی، مرتضی، بدری، سیدعلی، ۱۳۸۶، **ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاریهای فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی: استان گلستان**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹، صص ۱۷۶-۱۶۱.

15. Iimu., 2012, **Anagement Development Programme for Women Entrepreneurs.**
16. Prabha Singh., 2009, **Rural Women and Development of Entrepreneurship with special reference to Punjab.**
17. World Bank, 2012, **Gender and Development. Women and rural development.**
18. <http://web.worldbank.org>
19. [www. iimu.ac.in](http://www.iimu.ac.in)